



# مبارزه برای حقوق بشر

النور روزولت





آموزشکده آنلاین  
توانا  
TAVAANA  
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative  
*for civic education*

<http://www.eciviced.org>

---

مبارزه برای حقوق بشر (Struggle for Human Rights)

---

النور روزولت (Eleanor Roosevelt)

---

پاریس - فرانسه، ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۸

## e-collaborative for civic education

ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند. ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان، اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از یک جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آنها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که میشمار صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکثیر گرای و جوامعی شایسته سالار که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند، است. ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وبلاگ نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارائه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموزی، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گرد آوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای محذوف است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان توسط جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بر ساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد. سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memaradehgi

Akbar Attari

## فهرست

۹

حق مبارزه برای حقوق بشر

## حق مبارزه برای حقوق بشر

من امشب این جا آمده‌ام تا درباره یکی از بزرگ‌ترین مسائل زمان ما، یعنی حراست از حقوق بشر صحبت کنم و این جا، یعنی سوربون در فرانسه را برای مطرح کردن این بحث انتخاب کردم، برای این که در این سرزمین، حقوق بشر از مدت‌ها قبل ریشه‌های عمیقی داشته و به نحوی غنی تغذیه شده است. این جا بود که اعلامیه حقوق انسان مطرح شد، این جا بود که شعارهای بزرگ انقلاب کبیر فرانسه آزادی، برابری و برادری تخیل انسان‌ها را شعله‌ور کرد. من اروپا را برای بحث درباره این مسائل انتخاب کرده‌ام برای این که صحنه بزرگ‌ترین نبردها بین آزادی و استبداد بوده است. من این بحث را در نخستین روزهای مجمع عمومی مطرح می‌کنم، برای این که مسائل مربوط به آزادی بشر، برای حل اختلافات سیاسی مهم و برای آینده سازمان ملل تعیین کننده است.

اهمیت تعیین کننده این مسائل توسط بنیان‌گذاران سازمان ملل در سانفرانسیسکو به خوبی شناخته شده بود. نگرانی برای پاسداری و اعتلای حقوق بشر و سایر آزادی‌های اساسی، محوری‌ترین مسئله سازمان ملل است و رعایت حقوق و رفاه افراد اعم از مرد و زن در منشور آن کاملاً روشن است. سازمان ملل به وضوح نشان

داده است که هدف‌اش تقویت حقوق بشر و حمایت از کرامت و شخصیت انسانی است. یادداشت کلیدی در مقدمه این منشور اعلام می‌دارد که ما در سازمان ملل مجدداً بر این باورها، به شرح زیر تأکید می‌کنیم:

«حقوق بنیادی بشر، کرامت و ارزش انسان، برابری حقوق زن و مرد در کشورهای بزرگ و کوچک و... اعتلای پیشرفت اجتماعی و استانداردهای بهتر برای آزادی‌های اساسی» این مقدمه این نقطه نظر منشور را منعکس می‌کند که صلح و امنیت بشر بستگی به رعایت حقوق و آزادی همه آحاد جامعه دارد.

یکی از اهداف سازمان ملل که در بند یک آمده این است:

«حصول به همکاری بین‌المللی به منظور حل مشکلات بین‌المللی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و خدمات بشر دوستانه و نیز اعتلا و تشویق رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی، بدون فرق گذاشتن بین نژادها، جنسیت، زبان و مذهب.»

این افکار در چندین جای دیگر مشخصاً در بندهای ۵۵ و ۵۶ تکرار شده است. جایی که اعضا متعهد می‌شوند که به طور مشترک و یا جداگانه با سازمان ملل در زمینه ذیل همکاری کنند: «احترام جهانی و نظارت بر حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی بدون فرق گذاشتن بین نژادها، جنسیت، زبان و مذهب.» کمیسیون حقوق بشر در نخستین و مهم‌ترین مأموریت خود، آماده‌سازی اعلامیه جهانی حقوق بشر را به عهده گرفته است. مجمع عمومی که سومین اجلاس آن چند روز پیش در پاریس گشایش یافت، مأموریت تصویب نخستین محصول فعالیت‌های کمیسیون، یعنی اعلامیه جهانی حقوق بشر را در بهار سال ۱۹۴۸ در پیش رو دارد، اعلامیه حقوق بشر سرانجام پس از کار زیاد در آخرین جلسه کمیسیون حقوق بشر در نیویورک تکمیل شد و شورای اقتصادی و اجتماعی آن را به همراه سایر مدارک ارسالی کمیسیون حقوق بشر، بدون هیچ‌گونه پیشنهادی به مجمع فرستاد.

در کمیسیون، تصمیم بر این گرفته شد که اعلامیه جهانی حقوق بشر باید شامل دو بخش باشد:

۱- اعلامیه‌ای که بتوان آن را به تصویب اعضای مجمع عمومی رساند. محتوای این اعلامیه از نیروی اخلاقی بسیار قوی برخوردار بوده و به مردم جهان خواهد گفت که: «این طرحی است که امیدواریم همه مردم از حقوق آن در سال‌های آینده منتفع شوند. حقوقی را که در این اعلامیه منظور کرده‌ایم، حقوق اولیه هر انسانی در جهان می‌دانیم و احساس می‌کنیم بدون این حقوق، توسعه کامل شخصیت انسان امکان ندارد.»

۲- بخش دوم اعلامیه که هنوز کمیسیون حقوق بشر به علت کمبود وقت آن

را تکمیل نکرده است، معاهده‌نامه‌ای خواهد بود که به صورت قرارداد به تمام کشورهای دنیا عرضه خواهد شد تا هر کشوری که آمادگی دارد، آن را بپذیرد و اجرای آن برای کشورهای که آن را پذیرفته‌اند الزامی خواهد بود. هر کشوری که این معاهده را بپذیرد باید قوانین خود را در صورت مغایرت با این معاهده‌نامه، تغییر دهد. البته این معاهده‌نامه باید به صورت سند ساده‌تری باشد. این سند نمی‌تواند آرزوها را مطرح کند. اگرچه احساس ما این است که این مسئله در اعلامیه مجاز شمرده شده است. این سند تنها می‌تواند به حقوق اشاره کند و اطمینان دهد که قانونا این حقوق رعایت می‌شوند و نیز باید حاوی روش‌هایی برای اجرای این مقررات باشد و هر کشوری که آن را پذیرفته است مجاز به چشم‌پوشی از آن نباشد. درباره روی‌های اجرایی نه تنها هنوز موافقتی حاصل نشده، بلکه در جلسات کمیسیون درباره هیچ‌یک از آن‌ها بررسی مناسبی نیز صورت نگرفته است.

مطمئناً مباحثاتی درباره این قطع‌نامه حقوق بشر جریان خواهد داشت و ممکن است چنانچه موافقتی حاصل شود، مجمع آن را تأیید کند. فکر می‌کنم باید کشورها را تشویق کرد تا در ماه‌های آینده این قطع‌نامه را با ملت خود در میان بگذارند تا هنگام عرضه آن درک عمیق‌تری از مشکلات مربوط به آن داشته باشند. امیدواریم تا سال آینده اعلامیه مورد قبول دولت‌ها قرار گیرد.

اعلامیه در کمیسیون حقوق بشر به اتفاق آرا تصویب شد، البته به استثنای چهار کشور اتحاد شوروی، یوگسلاوی، اوکراین و بلاروس که غایب بودند و دلیل آن هم اختلاف بنیادی در برداشت از مفهوم حقوق بشر در این کشورها و چند کشور دیگر عضو سازمان ملل است.

فکر می‌کنم باید در بحث‌های اصلی مجمع عمومی این اختلافات کاملاً واضح و روشن شود و می‌خواهم امشب زمان اندکی را صرف روشن کردن این موضوع کنم. به نظر من اکنون دلیل قاطعی برای ارائه تفکری دقیق و روشن درباره حقوق بشر وجود دارد و علت آن هم این است که پذیرش و رعایت این حقوق به عقیده من عامل ریشه‌ای برای صلح در آینده و تقویت سازمان ملل متحد است، تا آنجا که می‌تواند صلح را در آینده حفظ کند.

ما نباید درباره این که آزادی چیست، ابهامی داشته باشیم. حقوق اولیه انسان بسیار ساده و به سادگی قابل فهم هستند. آزادی بیان و آزادی مطبوعات، آزادی مذهب و نیایش، آزادی برای تجمع و حق ابراز وجود، حق این که انسان‌ها بتوانند در خانه خود امنیت داشته باشند، بدون این که بی‌دلیل مورد جستجو قرار بگیرند و اموال آن‌ها تصرف شود و یا خودسرانه مورد بازداشت قرار بگیرند و مجازات شوند.

ما نباید فریب نیروهایی را بخوریم که کوشش می کنند پیام‌های بزرگ آزادی سنتی ما را تقلیل دهند تا بتوانند در مبارزه ما ابهام ایجاد کنند. دموکراسی، آزادی و حقوق بشر معانی مشخصی برای مردم دنیا دارند و نباید اجازه دهیم که هیچ کشوری آن‌ها را به گونه‌ای تغییر دهد که همسنگ سرکوب و دیکتاتوری شود.

تفاوت‌های اولیه‌ای حتی در به کارگیری لغات بین رژیم‌های دموکراتیک و تمامیت‌خواه وجود دارد. به عنوان مثال لغت دموکراسی در اتحاد شوروی و کشورهای آمریکا و فرانسه معانی متفاوتی دارد. من در جلسات اولیه کمیسیون هسته‌ای و کمیسیون حقوق بشر شرکت کرده‌ام و فکر می‌کنم این معانی در آن جلسات کاملاً خود را نشان دادند.

نمایندگان اتحاد شوروی ادعا می‌کردند به اهدافی دست یافته‌اند که به زعم آن‌ها، «دموکراسی‌های بورژوازی» با کنترل مردم، مانع رسیدن به این اهداف در کشورهای خود می‌شوند. تحلیل‌نهایی آن‌ها این است که دولت‌های ما قدرت ندارند، برای این که توسط مردم کنترل می‌شوند. البته آن‌ها این تحلیل را به این صورت نمی‌گویند، بلکه می‌گویند مردم اتحاد شوروی با اجازه دادن به دولت برای داشتن حقوق مطلق، آن را کنترل می‌کنند. ما از طرف دیگر احساس می‌کنیم حقوق مشخصی را هرگز نباید در اختیار دولت گذاشت، بلکه این حقوق باید در دست مردم باقی بمانند.

به عنوان مثال اتحاد شوروی ادعا می‌کند مطبوعات در آن کشور کاملاً آزادند برای این که دولت ماشین‌های چاپ و کاغذ در اختیار آن‌ها می‌گذارد و حتی حقوق نویسندگان و کارکنان را نیز می‌پردازد. آن‌ها می‌گویند هیچ کنترلی بر مطالب روزنامه‌های مختلفی که از دولت یارانه می‌گیرند ندارند و برای مثال روزنامه اتحادیه کارگری را ذکر می‌کنند. اما چه اتفاقی می‌افتد اگر یکی از این روزنامه‌ها مطلبی در انتقاد از سیاست‌ها و عقاید دولت کمونیستی منتشر کند؟ من اطمینان دارم که دلایل بسیار خوبی برای بستن روزنامه پیدا می‌کنند.

این حقیقت دارد که در اتحاد شوروی موارد زیادی بوده است که روزنامه‌نگاران از اقدامات بعضی از مقامات انتقاد کرده و سبب برکناری آن‌ها شده‌اند، اما این انتقادات هیچ‌گاه متوجه عقاید بنیادی کمونیست‌ها نبوده است. آن‌ها به سادگی از شیوه اجرای بعضی امور انتقاد کرده‌اند، بنابراین باید توجه داشت که تفاوت وجود دارد بین انتقاد از اموری که مجاز دانسته شده و انتقاد از عقایدی که در سیستم کمونیسم بنیادی هستند.

به عنوان مثال، چه تفاوتی بین اتحادیه‌های کارگری در رژیم‌های تمامیت‌خواه و



دموکراسی‌ها وجود دارد؟ در رژیم‌های تمامیت‌خواه اتحادیه‌های کارگری ابزاری در دست دولت هستند که به کمک آن کارگران را وادار به انجام وظایف خود می‌کنند، ولی برای حقوق آن‌ها کاری نمی‌کنند. اتحادیه‌ها تنها اوراق تبلیغات دولتی را در بین اعضای خود توزیع می‌کنند برخلاف اتحادیه‌های ما که ابزاری در دست خود کارگران هستند. آن‌ها نماینده کارگران در رابطه با دولت و مدیریت هستند، در ابراز عقیده خود آزادند بدون این که از دولت کمک بگیرند و یا دولت در کار آن‌ها دخالت کند. مفهوم اتحادیه‌های کارگری در کشورهای تمامیت‌خواه کاملاً متفاوت است. درک متقابل بسیار اندکی در این مورد وجود دارد.

من فکر می‌کنم بهترین مثالی که می‌تواند این تفاوت اساسی را نشان دهد به کار بردن مفهوم «حق کار کردن» است. اتحاد شوروی اصرار دارد که این حق اولیه در اتحاد شوروی تضمین شده است؛ برای این که دولت به تنهایی اشتغال را برای همه تأمین می‌کند. اما معنای این «حق کار کردن» در اتحاد شوروی این است که دولت کارگران را به هر کاری که بخواهد می‌گمارد بدون این که به آن‌ها فرصتی برای مشارکت در تصمیم‌گیری و دخالت در امور دولت داده شود. جامعه‌ای که هر کس کار دارد، لزوماً یک جامعه آزاد نیست و ممکن است در حقیقت یک جامعه برده‌داری باشد و البته جامعه‌ای هم که به نحو گسترده‌ای دارای عدم امنیت اقتصادی است، می‌تواند آزادی را به صورت حقیقی سترون و بی‌روح برای میلیون‌ها نفر از مردم در آورد.

ما در ایالات متحده به این نتیجه رسیده‌ایم که معنی آزادی این است که هر کسی بتواند هر شغلی را که می‌خواهد انتخاب کند، هر کس مختار است کار بکند یا نکند، اگرچه ما در ایالات متحده به این نتیجه رسیده‌ایم که مردم حق دارند که از دولت خود بخواهند مانع از گرسنگی کشیدن افرادی شود که نتوانسته‌اند در حرفه خود کاری پیدا کنند.

مطرح شدن این تصمیم در افکار عمومی، حاصل دوران رکود بزرگ بود؛ زمانی که بسیاری از مردم بیکار بودند. اما در ایالات متحده تصور نمی‌کنیم چنان‌چه ما را با روش‌های دیکتاتوری وادار کنند که چه موقع و کجا کار کنیم، آزادی بیش‌تری به دست می‌آوریم. حق انتخاب برای ما مهم و از آزادی‌های اساسی است. من با مردم روسیه احساس همدردی می‌کنم. آن‌ها کشور خود را دوست دارند و همیشه شجاعانه از آن در برابر مهاجمین دفاع کرده‌اند. آن‌ها دوره‌ای از انقلاب را از سر گذراندند و در نتیجه تماس خود را با خارج از دست داده‌اند. آن‌ها شک خود را نسبت به سایر کشورها از دست ندادند و مشکل این است که امروز، دولت

این شکاکیت را تشویق می‌کند و به نظر می‌رسد باور دارند که زور به تنهایی برای آن‌ها احترام می‌آورد.

ما در دموکراسی‌ها معتقد به نوعی احترام بین‌المللی و کنش دو جانبه هستیم و فکر نمی‌کنیم که دیگران با ما باید رفتاری داشته باشند متفاوت از رفتاری که با آن‌ها می‌شود. دخالت در امور سایر کشورها دشمنی و خصومت با دولت اتحاد شوروی را تشدید می‌کند. اگر این دولت آرزوی توسعه اقتصادی و سیاسی در محدوده خود را دارد، باید به سایر کشورها هم امنیت لازم برای تحقق این خواسته‌ها را بدهد. ما معتقدیم مردم آزادند که اشتباهات خود را مرتکب شوند و در امور آن‌ها دخالت نمی‌کنیم و آن‌ها نیز نباید در امور دیگران دخالت کنند.

مشکل اساسی که امروز دنیا با آن روبرو است، همان‌گونه که در آغاز سخن‌انام گفتیم، پاسداری از حقوق افراد و در نتیجه از جامعه‌ای است که این افراد بخشی از آن هستند. ما امروز دوباره این مبارزه را مانند دوران انقلاب فرانسه و آمریکا ادامه می‌دهیم. مسئله آزادی بشر امروز هم مانند آن زمان از امور قطعی است. می‌خواهم در کی را که کشور من از معنی حقوق افراد دارد برای تان ارائه دهم.

دیر زمانی قبل در لندن، در بحثی که با آقای «وینشنسکی» داشتم، او می‌گفت که چیزی به نام حقوق افراد در دنیا وجود ندارد، آزادی هر فرد مشروط و وابسته به آزادی دیگران است. البته من قبول کردم و گفتم: «ما به این مسئله از دیدگاهی دیگر نگاه می‌کنیم و این‌جا در سازمان ملل کوشش می‌کنیم که ایده‌ها را در سطحی گسترده‌تر توسعه دهیم و برای همین ابتدا حقوق انسان را مطرح می‌کنیم و این‌که چه چیزی انسان را آزادتر می‌کند، آزادی انسان برای ما مهم است، نه دولت‌ها.»

رژیم‌های تمامیت‌خواه، نوعاً مردم را نسبت به فرمان‌هایی که توسط اقلیتی در رأس هرم قدرت صادر می‌شود، در درجه دوم اهمیت قرار می‌دهند.

طبیعتاً ما همیشه باید حقوق دیگران را در نظر بگیریم ولی در دموکراسی محدودیتی برای این امر وجود ندارد. در حقیقت در دموکراسی‌ها امنیت لازم برای آزادی‌های خود را تثبیت می‌کنیم، زیرا هر کدام از ما به حقوق دیگران احترام می‌گذاریم و مجاز هستیم که قوانین خود را به وجود آوریم. آزادی برای مردم ما تنها یک حق نیست، بلکه یک وسیله است. آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی اطلاعات، آزادی تجمع و غیره فقط ایده‌هایی تجریدی برای ما نیستند، این‌ها ابزاری هستند که ما به کمک آن‌ها زندگی خود را می‌سازیم، شیوه‌ای از زندگی که بتوانیم از آزادی‌ها لذت ببریم. برخی اوقات فرآیند دموکراسی‌ها کند است. من می‌دانم که برخی از رهبران ما می‌گویند دیکتاتوری صالح در مقایسه با دموکراسی، کارها را در

زمانی بسیار کوتاه‌تر به انجام می‌رساند، زیرا در دموکراسی باید فرآیندها و مباحثات دموکراتیک را طی کنیم و به آهستگی افکار عمومی را شکل بدهیم. اما هیچ راهی نیست که بشود اطمینان حاصل کرد که دیکتاتوری، صالح باقی بماند و قدرت را که در دست گروهی اندک قرار دارد، بدون چالش و یا انقلاب به مردم باز گرداند. ما از تجربیات آموختیم و قبول داریم که فرآیندهای دموکراسی کند است، ولی برای رفتن از راهی میان‌بر، باید بر سر اصول مصالحه کنیم، اصولی که مصالحه بر سر آن‌ها امکان‌پذیر نیست.

اظهار نظر نهایی مردم درباره ما، از طریق انتخاباتی آزاد و سالم است که مردم کاندیداهای خود را بر اساس مسائل اساسی کشور انتخاب می‌کنند. رأی مخفی برای انتخابات آزاد اهمیت اساسی دارد، ولی پیش از آن باید انتخاب مورد نظر خود را شناسایی کرده باشند. من بارها از همسرم شنیدم که مردم هرگز آزادی خود را از دست نخواهند داد، اگر آزادی در دادن رأی مخفی را حفظ و از آن به خوبی استفاده کنند. تصمیم‌های اساسی در جامعه ما تنها بر اساس نظر مردم گرفته می‌شود. به همین دلیل است که وقتی می‌بینیم آزادی‌های ما تهدید می‌شود به جای از هم پاشاندن مملکت، با همدیگر متحد شده و گروه واحدی را تشکیل می‌دهیم. این اتحاد علی‌رغم وجود پیشینه‌های متفاوت و تنش‌های نژادی صورت می‌گیرد.

سیستم اقتصادی ما در ایالات متحده سرمایه‌داری است و علت آن هم این است که افکار عمومی این شیوه زندگی و این نوع اقتصاد را می‌پسندد. اما ما محدودیت‌های مشخصی را اعمال کرده‌ایم. به عنوان مثال ما قوانین ضد تراست داریم. این قوانین نشان می‌دهند که مردم آمریکا مصمم هستند که اقتصاد آزاد و رقابتی خود را حفظ کنند ولی در عین حال به انحصارها اجازه ندهند که آزادی مردم را از آن‌ها بگیرند. اتحادیه‌های کارگری ما نیرومندتر می‌شوند برای این که مردم به این باور رسیده‌اند که این راهی درست برای تضمین حقوق کارگران است و حق سازمان‌دهی، «چانه‌زنی جمعی»، تعادل را بین تولیدکننده اصلی و سرمایه‌گذاران و مدیریت صنایع برقرار می‌کند. مدیریت صنایع بر کارگرانی نظارت می‌کند که با دست خود کالاهای مختلف را تولید می‌کنند و حاصل کارشان ثروتی قابل لمس است.

در ایالات متحده ما آن‌قدر بالغ هستیم که ادعای کامل بودن نداشته باشیم. می‌دانیم که با مشکلات و تبعیض‌هایی روبرو هستیم، اما برای حل این مشکلات پیشرفت‌هایی نیز داشته‌ایم، اگرچه کند بوده است. با استفاده از فرآیندهای معمولی دموکراتیک نیازهای خود و چگونگی رسیدن به برابری کامل برای مردم خود را می‌شناسیم. بحث آزاد درباره همه موضوعات مجاز است و دادگاه عالی ما اخیراً

تصمیماتی را اتخاذ کرده تا برخی از ابهامات قانونی را برای تضمین حقوق همه مردم، روشن تر کند. اتحاد شوروی ادعا می کند به نقطه ای رسیده که می تواند رسماً اعلام کند در داخل مرزهای خود به برابری کامل مردم و با حقوقی مساوی رسیده است و آن‌ها اصرار دارند که هیچ گونه تبعیضی در رابطه با اقلیت‌ها وجود ندارد. هدف قابل ستایشی است، اما جنبه‌های دیگری نیز از توسعه آزادی افراد وجود دارد که بسیار مهم هستند و از عدم تبعیض ارزش بیش تری دارند. این جنبه‌ها در اتحاد شوروی وجود ندارند. تا زمانی که مردم خواستار آزادی‌هایی هستند که بقیه مردم دنیا دارند و آن‌ها ندارند و این حق از آن‌ها سلب می شود، معمولاً گله‌ای از تبعیض ندارند.

دولت‌های تمامیت‌خواه از دادن سایر آزادی‌های اساسی مانند آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی مذهب و وجدان، آزادی تجمع و محاکمه عادلانه و عدم بازداشت و مجازات خودسرانه به مردم خود ابا دارند. این‌ها مواردی هستند که به عدم تبعیض معنی می دهند.

به عقیده من، و مطمئن هستم که عقیده شما هم همین است، مبارزه برای دموکراسی و آزادی مبارزه‌ای اساسی بوده و حراست از آن برای سازمان ملل متحد هدفی بنیادی است و نهایتاً می تواند صلح بین‌المللی و امنیت را حفظ کند. برای مردمی که آزادی دارند، هدف وسیله را توجیه نمی کند. ما الگوی تمامیت‌خواهی را می شناسیم... سیستمی تک‌حزبی که مدارس، مطبوعات، رادیو و علم و هنر را کنترل و حتی کلیسا را وادار می کند از حکومت مستبد حمایت کند. این الگوها کهنه و شناخته شده هستند و انسان‌ها برای مدت سه هزار سال با آن مبارزه کرده‌اند. این‌ها نشانه‌های انفعال و واپس‌گرایی است. سازمان ملل متحد باید میراث آزادی را که حاصل مبارزه مردم است رها نکند و به ما کمک کند تا آن را به نسل‌های آینده منتقل کنیم.

گسترش ایده آل آزادی و ترجمان آن در زندگی روزانه مردم در بخش‌های بزرگی از دنیا حاصل کوشش‌های افراد بسیاری است و محصول تفکری نیرومند، برخاسته از سنتی طولانی و کنش‌های شجاعانه است. هیچ نژاد و هیچ مردمی نمی توانند ادعا کنند که تمامی تلاش‌ها برای رسیدن به کرامت انسانی و آزادی به منظور توسعه شخصیت بشری را به تنهایی انجام داده‌اند. هر نسلی و در هر کشوری باید ادامه‌دهنده مبارزه باشد و قدم‌های جدیدی باید برداشته شود. آزادی مسئله‌ای اصولی است و میدانی است که باید بر آن محکم پای فشرده و گرنه امکان بازگشت دارد.

مسئله حقوق انسانی از جمله اصول بنیادی بوده و مصالحه بر سر آن امکان ندارد و طرح کمیسیون برای مسئله حقوق بشر کاملاً روشن‌گرایانه است. اعلامیه حقوق بشر می‌گوید: «هر کس حق دارد هر کشوری، از جمله کشور خود را ترک کند.» نماینده اتحاد شوروی گفت با این مطلب موافق است در صورتی که یک جمله به آن اضافه شود... «با توجه به قوانین حاکم بر آن کشور». کاملاً روشن است که پذیرش این تبصره نه تنها مصالحه است، بلکه حقوقی که به آن اشاره شده را بی‌اثر می‌کند. این مورد به خوبی اهمیت پیشنهاداتی که ارائه می‌شود را نشان می‌دهد و این که باید مواظب باشیم بر سر اصول بنیادی حقوق بشر تنها به خاطر رسیدن به اتفاق آرا مصالحه نکنیم و گرنه آن‌ها را از دست خواهیم داد. آن گونه که من می‌بینم رسیدن به اتفاق آرا درباره اختلاف نظر دولت‌ها درباره حقوق بشر کار آسانی نیست. مبارزه مشکلی است که ما باید در مورد آن استوار و صبور باشیم. اگر ما بر اصول خود با اعتقاد بایستیم، فکر می‌کنم که حفظ آزادی‌ها به شیوه مسالمت‌آمیز و بدون توسل به زور امکان‌پذیر است. آینده باید شاهد گسترده‌تر شدن حقوق بشر در سراسر دنیا باشد. مردمی که آزادی را هر چقدر اندک دیده باشند، هرگز تا آن را کاملاً برای خود تثبیت نکنند، قانع نخواهند شد. حقیقت این است که حقوق بشر هدف بنیادی قانون و دولت در یک جامعه عادلانه است.

حقوق بشر باید تا درجه‌ای در جامعه حاکم باشد که مردم آن را در رابطه با یکدیگر و دولت‌ها آن را در رابطه با شهروندان‌شان رعایت کنند.

دنیا تا حدود زیادی از پیامدهای غم‌انگیز حاکمیت رژیم‌های تمامیت‌خواه بر مردم آگاهی دارد، اگر به قدرت رسیدن هیتلر را بررسی کنیم، می‌بینیم که چگونه زنجیرها را به هم پیوستند تا افراد را به صورت برده در آورند و می‌توانیم شباهت‌های زیادی با آن چه در بقیه کشورها اتفاق افتاد را مشاهده کنیم. مردم از نظر سیاسی باید مجاز باشند درباره مسائل مختلف حتی الامکان مباحثه کنند و حداقل باید در کشور یک سیستم دو حزبی برقرار باشد. برای این که در سیستمی که تنها یک حزب سیاسی حکومت می‌کند، برای تأمین منافع آن حزب، بسیاری از اولویت‌ها جابجا می‌شوند و در نتیجه حکومتی استبدادی برقرار می‌شود و آن حزب دیگر ابزاری برای حکومت دموکراتیک نیست.

پروپاگاندايي که ما در گذشته نه چندان دور شاهد آن بودیم، مانند آن چه در روزهای اخیر مشاهده می‌کنیم، به دنبال تکذیب ما و ویران کردن و از بین بردن آزادی و استقلال مردم است. این گونه پروپاگاندا مردم را در شرایطی قرار می‌دهد که یا در میراث حقوق خود شک کنند و تن به مصالحه بر سر اصول زندگی خود

بدهند و یا کوشش کنند که رژیم را به چالش بطلبند و آمادگی خود را مضاعف کنند و برای حفظ و توسعه آزادی‌های انسانی استوار و محکم به مبارزه ادامه دهند. مردمی که حقوق آن‌ها به عنوان انسان به طور مستمر انکار می‌شود برای همیشه تن به این انکار نخواهند داد.

منشور سازمان ملل مشعلی فرا روی ما برای حصول به حقوق بشر و حقوق بنیادی در سراسر جهان است. آزمون اولیه تنها این نیست که کدام حقوق بشر و آزادی حاصل شده است، بلکه هدف اصلی آن تعیین جهت حرکت در جهان است. آیا سازگاری صادقانه‌ای با منشور سازمان ملل در جریان است و یا بعضی کشورها به جای این که احترام جهانی برای نظارت بر حقوق بشر، آن گونه که در منشور آمده را تشویق کنند، به نقض آن ادامه می‌دهند؟

سازمان ملل ملاقات‌های عمومی برای کشورهای عضو ترتیب می‌دهد تا مسائل مربوط به حقوق بشر مورد بحث قرار گیرد. در این جلسات می‌توانیم مشکلات چند جانبه را مورد بررسی قرار دهیم و از تفاوت‌هایی که در تجربیات خود داشتیم بهره‌مند شویم. وابستگی ذاتی و استوار ما به دموکراسی و آزادی سبب می‌شود که در بهره‌گیری از ابزارهای بنیادی دموکراتیک مانند بحث و مذاکره صادق باشیم. امروز مثل همیشه امید ما این است که علی‌رغم رویکردهای متفاوتی که در دنیا جریان دارد، بتوانیم با ایمان به اصول منشور سازمان ملل به زمینه‌های مشترک و درک متقابل برسیم.

ما به این جا آمده‌ایم تا در جلسه این گردهمایی بزرگ بین‌المللی در پاریس، پایتخت زیبای شما، شرکت کنیم. آزادی انسان، بخشی جدا نشدنی از سنت گران‌قدر فرانسه است. به عنوان یک عضو از هیأت ایالات متحده در سازمان ملل به درگاه خداوند دعا می‌کنم تا پیروزی دیگری در این جا برای دستیابی به حقوق و آزادی همه انسان‌ها نصیب ما شود.

پاریس - فرانسه

۲۸ سپتامبر ۱۹۴۸

